

آموزش خواندن و نوشتن

زبان کوردی

به صورت علمی

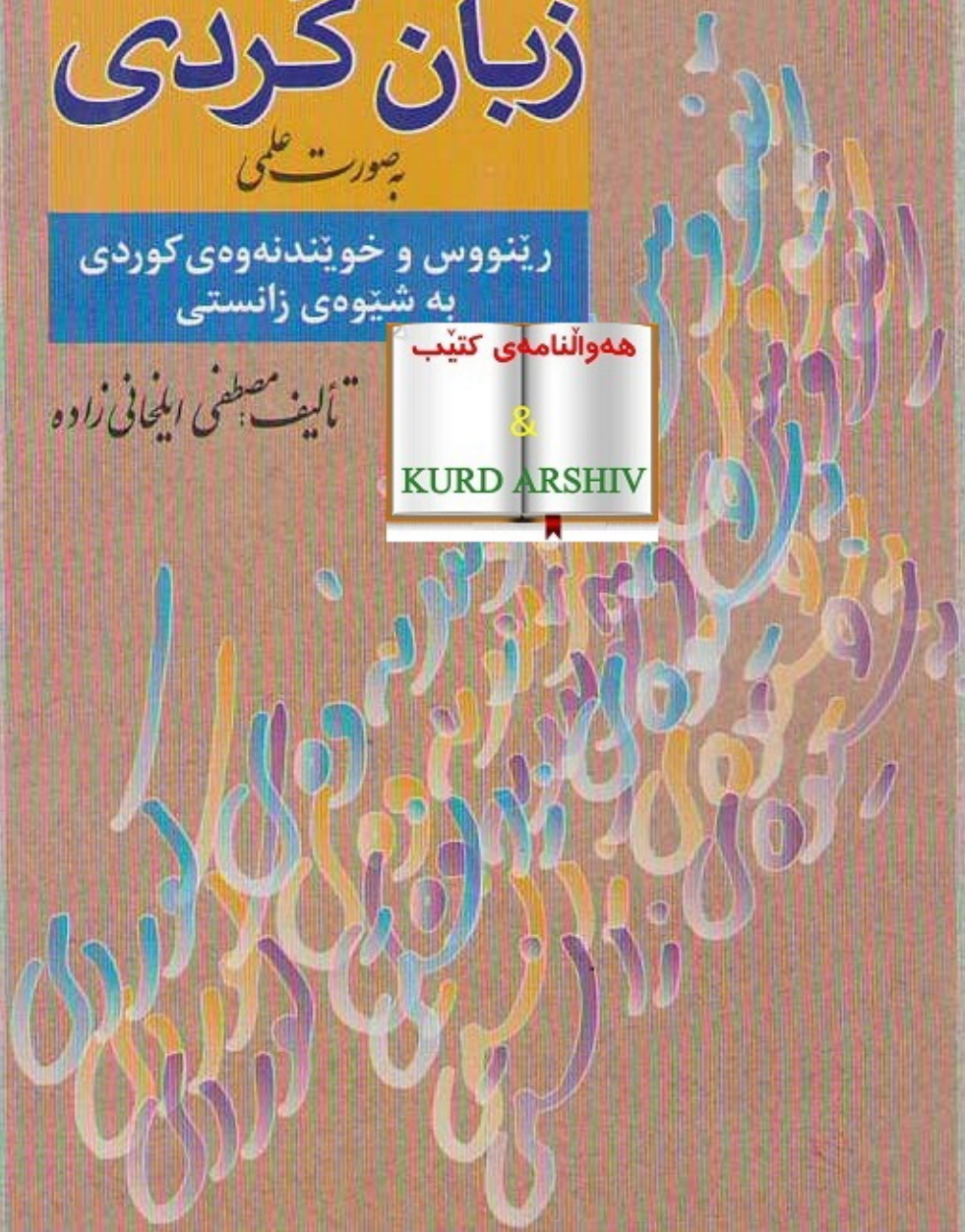
رَبَنووس و خویندنهوهی کوردی
به شیوهی زانستی

تألیف: مصطفی ایلیجانی زاده

ههواننامهی کتیب

&

KURD ARSHIV



رینووس و خویندنه‌وهی کوردی به شیوهی زانستی

آموزش خواندن و نوشتن کُردی

به صورت علمی

شامل: رسم الخط - قرائت - تمرینات - املا

تألیف:

مصطفی ایلخانی زاده



انتشارات کردستان

سنندج

په‌مان گه‌په‌مان

په‌مان گه‌په‌مان به‌په‌مان



انتشارات کردستان

Kurdistan Publication

سنندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۳۲۶۵۳۸۲

خواندن و نوشتن کردی

آموزش خواندن و نوشتن کردی به روش علمی	✓ نام کتاب:
مصطفی ایلخانی زاده	✓ مؤلف:
اول: ۱۳۸۷	✓ نوبت چاپ:
۳۰۰۰ جلد	✓ تیراژ:
۸۸ صفحه‌ی رقعی	✓ تعداد صفحه و قطع:
انتشارات کردستان	✓ ناشر:

قیمت: شابک: ۸ - ۹۶ - ۷۶۳۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۰۰۰ تومان ISBN: 978 - 964 - 7638 - 96 - 8

مقدمه

در این کتاب سعی شده است تا با روشی ساده و روان به شما آشنایی بیشتری در مورد زبان کُردی و تاریخچه آن بدهد.

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه

کتابی را که ملاحظه می فرمایید، نتیجه‌ی سال‌ها تدریس زبان کُردی و تحقیق و تفحص و بحث و گفتگو با اساتید دانشگاه و زبان‌شناسان در کُردستان ایران و عراق می‌باشد. به نظر نگارنده، این کتاب برای تدریس و آموزش زبان کُردی چه در آموزشگاه‌ها و چه به صورت خودآموز بسیار مناسب است. شرط استفاده از این کتاب داشتن سواد خواندن و نوشتن فارسی به طور مختصر می‌باشد و برای اشخاصی که تحصیلات بالاتر، حتی در حد کارشناسی و کارشناسی ارشد دارند و به طور کلی هر کسی که بخواهد خواندن و نوشتن زبان کُردی را به صورت درست و علمی بیاموزد، لازم و مفید می‌باشد.

امیدوار است که علاقه‌مندان بتوانند از آن استفاده‌ی کافی و بهینه

بنمایند.

طرز نوشتن زبان کُردی

زبان کُردی اکنون با دو نوع الفبای عربی و لاتین نوشته می‌شود. آموزش خواندن و نوشتن زبان کُردی با الفبای عربی را با دو شیوه می‌توان آموخت. شیوه‌ی اول که اکنون در کُردستان عراق مرسوم است، به مانند شیوه‌ی آموختن زبان فارسی در مدارس ایران می‌باشد. این شیوه مخصوص کسانی است که تازه شروع به خواندن و نوشتن می‌کنند و شکل و صداهای الفبا را نمی‌شناسند و در این روش طی چندین درس شکل و صداهای الفبا به شاگردان یاد داده می‌شود. روش دوم که ما در این کتاب به این روش آموزش می‌دهیم، شرط آموزش این است که شاگردان شکل و طرز تلفظ حروف الفبای فارسی (در حقیقت عربی) را می‌شناسند. در این روش مخصوص، شاگرد در مدت کم‌تری خواندن و نوشتن کُردی را یاد می‌گیرد.

حروف الفبای کُردی

در الفبای کُردی دو نوع حرف داریم یکی حروف مصوت (صدا دار، ده‌نگدار) و دیگری حروف صامت (بی‌صدا، پیده‌نگ).

حروف صدادار از ارتعاش تارهای صوتی به وسیله‌ی هوای بازدم به وجود می‌آیند و به کمک همین صداها، حروف بی‌صدا ادا می‌شوند و حروف صدادار نیز بدون ترکیب با حروف بی‌صدا نمی‌توانند کلمه بسازند. کلمه (وشه) از ترکیب چند حرف درست می‌شود و ممکن است شامل یک بخش (که‌رت - برگه) یا بیشتر باشد. در مدارس، بخش کردن کلمات آموزش داده می‌شود و معمولاً بخش کردن با حرکت دست‌ها نمایش داده می‌شود و در هر بخش یک بار دست‌ها پایین آورده می‌شود. هر بخش از یک حرف صدادار و یک یا چند حرف بی‌صدا تشکیل می‌شود. برای یادگیری طرز نوشتن و خواندن زبان کُردی لازم است که حروف بی‌صدا (بیده‌نگ) consonants و صدادار (ده‌نگدار) vowels را بشناسیم طبق عقیده‌ی اکثریت زبان‌شناسان کُرد حروف بی‌صدا (بیده‌نگ) ۲۹ حرف به این شرح می‌باشد:

ث	ب	پ	ت	ج	چ	ح	خ	د	ر	ڤ	ز	ژ	س	ش
ع	غ	ف	ڤ	ق	ک	گ	ل	ل	م	ن	و	ه	ی	

«اصولاً گفتن بزوین به جای ده‌نگدار (صدادار) و ده‌نگ به جای

بیده‌نگ (بی‌صدا) صحیح‌تر است.»

بعضی از زبان‌شناسان با استناد به تلفظ بعضی کلمات در یکی از لهجه‌های کردی (کرمانجی ژووروو)، «ص» را نیز جزو حروف کردی به حساب می‌آورند که البته با توجه به اینکه این حرف در کلمات معدودی از این لهجه مشاهده می‌شود و از طرفی طبق قواعد فونولوژی حروف «س» و «ص» در زبان کردی هر دو متعلق به یک فونیم هستند پس نشانه‌ی «س» برای هر دو حرف کافی است. با توجه به حروف صامت کردی مشاهده می‌کنیم دو حرف «ف - ل» که جزو الفبای کردی هستند در الفبای فارسی وجود ندارند و حرف «پ» قه‌له‌و «ر بزرگ» با وجود این‌که در فارسی نیز تلفظ می‌شود جزو حروف الفبای فارسی منظور نشده و در نوشتن، فرقی بین «ر» لاواز و «پ» قه‌له‌و قابل نمی‌شوند. همزه که در کردی به صورت «ئا» نوشته شده اصولاً به جز کلماتی که از عربی وارد کردی شده‌اند در کلمات خالص کردی (به استثناء دو کلمه هه‌ه و نه‌ه که آنها نیز تغییر یافته «ها» و «نا» هستند و بهتر است به همان صورت تلفظ و نوشته شوند) وجود ندارد و نیز همزه همیشه در اول کلمات می‌آید. اصولاً آمدن همزه در اول کلمات هم بدین صورت است: در حروف صداداری که در اول بخش (برگه) می‌آیند همزه چون یک فونیم کمکی «یاریده‌ده‌ر» در جلو آنها می‌آید مانند: تاور - نه‌ندازه - نارد و چون در زبان کردی

همزه یک فونیم مستقل نیست، به همین جهت در نوشتن کُردی با الفبای لاتین، نوشتن آن لازم نیست.

حروف صدادار - ده‌نگدار **vowel** به شرح زیر می‌باشند:

ا	ه	و	وو	ۆ	ی	ئ	بزرۆکه
							«کورتە بزۆتین»

باید به این نکته توجه داشت که تمام حروف اول بخش یا کلمه بی صدا می‌باشند و حروف صدادار هیچ وقت در اول کلمه نیامده و هیچ‌گاه نیز دو حرف صدادار پشت سر هم نمی‌آیند.

برای اینکه بدانیم در هر کلمه (وشه) چند حرف صدادار وجود دارد، باید بدانیم کلمه دارای چند بخش (که‌رت) یا هجا می‌باشد. آن‌گاه درمی‌یابیم که هر بخش یا هجا شامل یک حرف صدادار و یک یا چند حرف بی صداست. برای نمونه به این کلمات توجه نمایید:

کلمه			
ب	پ	ک	ه
ب	پ	ک	ه
ب	پ	ک	ه

باران				
ران			با	
ب	ا	ر	ا	ن
ب	د	ب	د	ب

موو	
وو	م
د	ب

میراوا				
وا		را		می
ا	و	ا	ر	م
ب	د	ب	د	ب

کرماشانی						
نی		شا		ما		کر
ی	ن	ا	ش	ا	م	ر
ک	بزرۆکه	د	ب	د	ب	د

مقایسه حروف الفبای کُردی و فارسی و کُردی لاتین

بیستی بینه‌نگ . «Consonants»

ردیف	کُردی	کُردی لاتین	فارسی	ردیف	کُردی	کُردی لاتین	فارسی
۱	ئ	—	—	۱۶	ع	ع	ع
۲	ب	B	ب	۱۷	غ	X	غ
۳	پ	P	پ	۱۸	ف	F	ف
۴	ت	T	ط . ت	۱۹	ڤ	V	—
۵	ج	J	ج	۲۰	ق	Q	ق
۶	چ	Ç	چ	۲۱	ک	K	ک
۷	ح	H	ح	۲۲	گی	G	گی
۸	خ	X	خ	۲۳	ل	L	ل
۹	د	D	د	۲۴	ل	Ļ	—
۱۰	ر	R	ر	۲۵	م	M	م
۱۱	ڕ	Ř	—	۲۶	ن	N	ن
۱۲	ز	Z	ذ. ز. ض. ظ	۲۷	و	W	و
۱۳	ژ	Z	ژ	۲۸	ه	H	ه
۱۴	س	S	ث. س. ص	۲۸	ی	Y	ی
۱۵	ش	Š	ش				

حروف بی صدا (ط - ذ - ظ - ض - ص - ث) در کلمات خالص کردی وجود ندارد و در کلمات عربی که وارد زبان کردی شده‌اند به جای ط از «ت» و به جای ذ - ظ - ض از «ز» و به جای ص - ث از «س» استفاده می‌کنیم.

مقایسه‌ی حروف صدادار الفبای کردی و فارسی و کردی لاتین

پیتی ده‌نگدار «Vowels»

فارسی	کردی لاتین	کردی	ردیف
ا	A	ا	۱
«َ»	E	ه	۲
-	U	و	۳
و	U	وو	۴
«ُ»	O	ؤ	۵
ی	I	ی	۶
«ِ»	E	ئ	۷
-	i	بزرگه	۸

چنانچه مشاهده می‌کنیم در فارسی ۶ حرف صدادار داریم که به دو دسته حروف صدادار بلند (ا - و - ی) و حروف صدادار کوتاه (اعراب‌ها یا حرکات) (اَ، اِ، اُ). حروف صدادار بلند «ا - و - ی» در کُردی نیز عیناً وجود دارد ولی به خاطر این‌که «و» کشیده‌ی کُردی با «و» کوتاه مخصوص کُردی در نوشتن تفاوت داشته باشد. «و» صدادار فارسی با «وو» نوشته می‌شود و به جای فتحه از «ه ه» و کسره از «ئ» و ضمه از «ؤ» استفاده می‌شود.

شکل نوشتن «و» صدادار و «و» بی‌صدا و «ی» صدادار و «ی» بی‌صدا در کُردی با الفبای عربی یکی است و حرف «ه ه» نیز چنانچه به جای فتحه باشد، صدادار و به صورت «ه ه» نوشته شده و چنانچه به جای حرف «ه» فارسی باشد، بی‌صدا و به این صورت «ه» نوشته می‌شود.

خویندنه‌وهی وانهی ۱

دارا و سارا

دارا و سارا خه‌لکی شارن

ئه‌و دوو مندائه‌ئو ناوانن

دارا کوری کاک بارامه

سارا کچی کاک وریابه

کاک بارام و وریا بران

دارا و سارا کایه ده‌کهن

دارا زور ماندوو بووه

ههورامان

ههورامان ناوی ناوچه‌یه‌که له کوردستان.

مالی هه‌قال له ههورامانه.

هه‌قال ته‌سپی هه‌یه.

ئه‌و به ته‌سپ غار غارین ده‌کا.

شقان و دلوفان سه‌یری هه‌قال ده‌کهن.

نیچیرقان گووفاری منالان ده‌خویننه‌وه.

نازدار و ئاره‌زوو توینن ده‌کهن.

زاهیر و مسته‌فا ناموزان.

دایکی زاهیر کوره‌کانی خووش ده‌وئ.

دوعایان بو ده‌کا ته‌ندروست بن و قهت زه‌لیل نه‌بن.

سه‌لاسی باوه‌جانی ناوی ناوچه‌یه‌که له پارێزگای کرماشان.

تمرینات درس اول

۱- در حال حاضر چند روش برای آموزش خواندن و نوشتن کُردی وجود دارد؟ به طور مختصر توضیح دهید.

۲- حروف صدادار و بی‌صدای الفبای کُردی را جداگانه بنویسید.

۳- حروف مصوتی را که در الفبای کُردی وجود داشته ولی در الفبای فارسی وجود ندارند، بنویسید.

۴- آیا حروف مصوت در آغاز کلمه یا بخش قرار می‌گیرند؟

۵- حروف صدادار فارسی به چند دسته تقسیم می‌شوند نام ببرید و حروف هر دسته و معادل کردی آنها را بنویسید.

۶- در الفبای کردی بر روی یا در زیر چند حرف علامت «^۷» گذاشته می‌شود؟ بنویسید!

۷- حروف صامتی را که در الفبای کردی وجود دارند ولی در فارسی وجود ندارند، بنویسید.

۸- حروف صامتی را که شکل نوشتن آنها در الفبای کردی و فارسی با هم فرق دارند، بنویسید.

۹- مشابه کردی حروف زیر را بنویسید.

[ط.....] ، [ث.ص.....] ، [ذ.ظ.ض.....]

۱۰- کلمات زیر را از روی نمونه به بخش‌های کوچک تقسیم نموده و حروف صدادار و بی‌صدا را مشخص کنید.

زستان	پاییز	هاوین	به‌هار			
			هار		به	
			ر	ا	ه	ب
			ب	د	ب	د

پووشپەر	جۆزه‌ردان	گولان	نه‌ورۆز

خه‌زه‌لۆه‌ر	ره‌زه‌ر	خه‌رمانان	گه‌لاوێز

ره‌شه‌مه	رێبه‌ندان	به‌فرانبار	سه‌رماوه‌ز

به شی رینووسی وانهی ۲

حروف مصوت (دهنگدار) [Vowels] در زبان کُردی

چنانچه قبلاً اشاره کردیم، زبان کُردی دارای ۸ حرف صدادار می‌باشد (ا - ه - و - وو - ی - ئ - بزرۆکه). در این میان حرف «ا - ی» هم از لحاظ تلفظ و هم از لحاظ نوشتن در زبان‌های کُردی و فارسی مثل هم می‌باشند. به همین جهت ابتدا این دو مصوت را شرح داده، سپس به شرح سایر مصوت‌ها می‌پردازیم.

۱- مصوت «ا»

این مصوت در زبان‌های کُردی و فارسی به یک صورت نوشته می‌شود و تلفظ آن هم یکسان است. باید توجه داشت که در زبان فارسی همزه‌ی اول کلمات به صورت الف نوشته می‌شود، مانند «اندازه» که یک کلمه‌ی خالص فارسی است و «اختیار» که یک کلمه‌ی عربی وارد شده در فارسی است.

برای مثال به کلمات زیر توجه فرمایید:

کُردی	← دارا	مار	هادی	په‌یدا	کامیل
فارسی	← دارا	مار	هادی	پیدا	کامل

در زبان‌های فارسی و عربی اکثراً الف و همزه به یک صورت نوشته می‌شوند مانند: اختیار، احتیاج، اندازه. برای شناسایی این دو حرف از هم‌دیگر با توجه به اینکه الف یک حرف صدادار و همزه یک حرف بی‌صداست، باید به این نکته توجه داشت که چون الف یک حرف صدادار است هیچ وقت در اول کلمه نمی‌آید پس حرفی که در اول کلمه به صورت الف نوشته می‌شوند، همزه هستند.

۲- مصوت «ی»

حرف صدادار «ی» نیز در کُردی و فارسی به یک صورت نوشته شده و به یک نوع تلفظ می‌گردد.

حرف «ی» بعضی مواقع کمی کوتاه و بعضی مواقع کشیده تلفظ می‌شود، ولی در هر حال یک حرف بوده و حالات کوتاه و کشیده آن دو حرف جداگانه نیستند. معمولاً «ی»هایی که به جای کسره در فارسی هستند، در کُردی به صورت «ی» کوتاه تلفظ می‌شوند. مانند:

حَسَن کورِ رَحمان که در کُردی این طور نوشته می‌شود: حه‌سه‌نی کوری ره‌حمان.

ناورِ بن کایه: که در کُردی این طور نوشته می‌شود: ناوری بن کایه.

دارِ بی بَر: که در کُردی این طور نوشته می‌شود: داری بی بهر.

مَرِدِ رَشید: که در کُردی این طور نوشته می‌شود: مه‌ردی ره‌شید.

ولی بقیه‌ی «ی»های صدادار دیگر کمی کشیده‌تر تلفظ می‌شود
مانند: سه‌وزی - بۆکانی - کوردی - شیر - په‌نیر .

اگر حرف «ی» کشیده بعد از حروف بی‌صدا بیاید با یک «ی»
نوشته می‌شود مانند: سه‌وزی - بۆکانی و اگر «ی» کشیده بعد از
حروف صدادار بیاید با دو «ی» نوشته می‌شود مانند: ئاواپی - بانه‌پی .
در کلماتی که «ی» اضافه هم دارد، «ی» اضافه به «ی» کشیده اضافه و
با دو «ی» نوشته می‌شود مثال: «ئاوه‌دانیی و لات - وه‌زاره‌تی رو‌شنییری
کوردستانی عیراق»

چنانچه در درس قبل مشاهده نمودیم در نوشتن کردی با الفبای
عربی «ی» صامت و «ی» مصوت به یک شکل نوشته می‌شوند، برای
تشخیص آنها از هم در کلمات، باید به این قاعده توجه داشت که
همواره «ی» حرف دوم بخش، صدادار و «ی» حرف اول و دوم به
بعد «سوم» بی‌صدا هستند.

مثال برای «ی» صدادار: شیر - په‌نیر - هه‌ویر - دیل .
مثال برای «ی» بی‌صدا: یه‌ک - یار - که‌ی - نۆبه‌ی .

در متن زیر «ی»های مصوت و «ی»های صامت را مشخص نمایید:
روژیکیان یادگار له قوتابخانه گه‌رایه‌وه. یه‌کجار ماندوو بوو.
بریکیش تووره بوو. رووی له دایکی کرد و پیتی کوت: دایه گیان
دهمه‌ویی قوتوویه‌ک بویه‌ی ره‌نگاوره‌نگم بۆ بکریت بۆ ئه‌وه‌ی له وانده‌ی
هونه‌ر به کاری بینم.

دایکی کوتی: کورم ئه‌ی چه‌وتووی پیشوو بۆم نه‌کری؟
یادگار کوتی: دایه گیان ونم کرد. دایکی کوتی: چونکه راستت
کوت بۆتی ده‌کرم.

تمرینات درس دوم

۱- ده کلمه بنویسید که در آن از مصوت «ا» استفاده شده باشد.

۲- فرق بین همزه و الف را بنویسید.

۳- ده کلمه بنویسید که در آن مصوت «ی» وجود داشته باشد.

۴- کلمات زیر را با در نظر گرفتن «ی» صامت و «ی» مصوت در محل تعیین شده، بنویسید.

شیر - په‌نیر - میوان - سیر - که‌یوان - جه‌یران - دین - شیو

«ی» صامت:

«ی» مصوت:

۵- فرق بین «ی» بی‌صدا و «ی» صدا دار را با ذکر مثال بنویسید.

رینووسی وانه‌ی ۳

حرف صدادار «و» یا واو کوتاه

این حرف صدادار مختص زبان کُردی می‌باشد و در زبان فارسی متداول نیست. از «و» کشیده «وو» کوتاه‌تر است و در تلفظ این حرف دهان کم‌تر از تلفظ ضمه باز می‌شود.

در بعضی کلمات مشترک بین کُردی و فارسی، معمولاً در زبان فارسی این کلمات با ضمه تلفظ می‌شوند و تلفظ آن در کُردی به صورت «و» کوتاه می‌باشد، مانند: کُشتن که در کُردی کوشتن و کلمه گُرگ که تلفظ آن در کُردی به صورت گورگ می‌باشد. در اینجا برای مثال چند کلمه کُردی که در آن «و» کوتاه وجود دارد می‌آوریم:

گورگ - قور - بولبول - قوزبن - دوژمن.

در رسم الخط کُردی با الفبای عربی «و» کوتاه صدادار و «و» بی‌صدا به یک شکل نوشته می‌شوند ولی در رسم الخط کُردی با الفبای لاتین از حرف «u» برای «و» صدادار و از حرف «w» برای «و» بی‌صدا استفاده می‌شود. در نوشتن کُردی با الفبای عربی باید از این قاعده استفاده کرد که همیشه «و» حرف دوم بخش صدادار و «و»های بخش اول یا دوم به بعد (سوم) بی‌صدا هستند.

در پایین برای هر یک از «و» بی‌صدا و «و» صدادار مثال‌هایی می‌آوریم:

«و» بی‌صدا: ورد کاوه که و نه‌وبه‌هار ویزه
 «و» صدادار: کورد کولله بولبول بوختان کولاو

زولفی سهرشانت عه‌زیزم کاتی هاتی شانه که‌ی
 من کوتم سهد خوزگه دهنکی شانهبام و شانه‌بام
 تا پهره‌نگ و پیاله لاجانگ و لیتوت ماچ ده‌که‌ن
 من ده‌لیم قه‌یدی ج بوو خویاه یه‌کنی له‌و دووانه‌بام

هیدی

حرف صدادار «وو»

حرف صدادار «وو» کشیده در تلفظ مشابه «و» صدادار فارسی است و به این علت به صورت «وو» نوشته می‌شود که با «و» کوتاه تمایز داشته باشد. در اینجا برای مثال چند کلمه که در آن «وو» وجود دارد می‌آوریم:

کُردی: بلوور تهن‌دوور نارَه‌زوو که‌ندوو سووتاندن
 فارسی: بلور تنور آرزو کندو سوزاندن

ده‌ردی دووری، ده‌ردی دووری گوشتمی
 ده‌ردی وشیاری و سه‌بووری گوشتمی

خویندنه‌وهی وانهی ۳

ژیری به گه‌وره‌یی و چکۆله‌یی نییه

روژنک له روژان شیرنک گه‌راپه‌وه لانه‌که‌ی خۆی، دیتی مشکینی چکۆله ده‌سوورپته‌وه بو‌ئه‌وه‌ی شتی‌ک بدۆزیتنه‌وه بیخوا. که مشکه بچکۆله چاوی به شیره‌که کهوت له ترسان دهستی به له‌رزین کرد، وای زانی شیره‌که ده‌یخوا. به‌لام شیره‌که نازاری نه‌دا و کوتی:

«مه‌ترسه ناتخۆم!»

مشکه‌که زۆر سپاسی لیبوردن و دل‌نه‌رمی شیره‌که‌ی کرد و لانه‌که‌ی به‌جی هیتشت.

پاش چهند روژنک مشکه‌که که دیتی و شیره‌که کهوتوه‌ته ناو توپری نیچیروانیک، جووه لای شیره‌که و پنی کوت:

«گه‌وره‌م ریم بده تا توپه‌که بېرم و رزگارتان بکه‌م.»

شیره‌ کوتی:

پنویستم به‌هاوکاری تو نییه. به‌هیزی خۆم ده‌پیسینم.»

مشکه له لایه‌که‌وه وهستا و دیتی شیره‌که خه‌بات ده‌کات بو‌ئه‌وه‌ی خۆی له توپه‌که رزگار بکات. پاش خه‌باتیکی زۆر شیره‌که نه‌یتوانی خۆی رزگار بکات. مشکه‌که دیسان جووه پینشن و گوتی:

«نه‌گهر هیز و توانای خۆت به‌که‌لکت نه‌هات باشی و دل‌نه‌رمیت به‌هاوارته‌وه دیت.»

ئینجا دهستی کرد به‌قرتانندی توپه‌که تا هه‌مووی بېری. شیره‌که زۆر سپاسی کرد که پاداشتی چاکه‌که‌ی دایه‌وه و گوتی:

«راسته ژیری به‌گه‌وره‌یی و بچکۆله‌یی نییه.»

ریتووسی وانهی ۴

حرف صدادار «ه - ه»

این حرف که در حالت چسبان به صورت «ه» و در حالت جدا به صورت «ه» نوشته می‌شود. در عربی با علامت فتحه (ـَ) و در فارسی با علامت زبر (ـِ) نوشته می‌شود. در زبان کُردی این علامت «سه‌ر» نامیده می‌شود و به صورت یک حرف صدادار «ه - ه» نوشته می‌شود. در هر سه زبان کُردی، فارسی و عربی تلفظ آن یکسان بوده و تنها اختلاف آنها در نوشتن است. در فارسی فتحه جزو حروف صدادار کوتاه بوده و در هر دو زبان فارسی و عربی به صورت علامت «اعراب» نشان داده می‌شود. برای این‌که بهتر بفهمید به کلمات زیر توجه فرمائید:

کُردی:	دهست	نه‌هار	سه‌رما	ده‌رمان	به‌غدا
فارسی:	دست	نهار	سرما	درمان	بغداد

وه‌ره وه‌ک ئیمه بژی نزم و نه‌وی
شه‌وله‌سه‌ر گه‌نده‌له‌ه داریک ده‌خه‌وی
خواردنی چاکی که تونه‌ت دیوه
گۆشته بارگینی گه‌نیو توپیوه

باید توجه داشت حرف «ه» اگر به جای «ه» فارسی باشد، بی صداست و همیشه در اول کلمه یا بخش می آید، مانند کلمات: هار، به هار، هه شت، هه ستان.

مصوت «ئ»

این حرف صدا دار در عربی، کسره «ا» و در فارسی، زیر «ا» نوشته می شود و در زبان کردی به آن ژیر گفته می شود و به صورت «ئ» نوشته می شود. تلفظ آن در هر سه زبان به یک صورت می باشد ولی در نوشتن در فارسی و عربی به صورت اعراب نشان داده شده در کردی به صورت حرف «ئ» نشان داده می شود. برای درک بهتر کلمات زیر مثال آورده می شود:

کردی:	ئیعلام	میهربان	سیحر
فارسی:	اعلام	مهربان	سحر

کتیبه کهم هاوړیمه رووناک که ره وهی ریمه

فیرم ده کا زانیاری له جیاتی گه مه و یاری

قاسم مچه ممه د مسته فا

خوینده‌های وان‌هی ۴

سواره ئیلخانی‌زاده

سواره‌ی ئیلخانی‌زاده، به کینک له و بلیمه‌ته گه‌وران‌هی کورده که له چهند بواری جیا‌وازا‌دا کاری کردووه و ناوبانگی هه‌یه. هه‌م شاعیریکی گه‌وره بووه، هه‌م ئە‌دیب و په‌خشان‌نووس و شانۆ‌نووسیکی باش بووه. سواره به هه‌ردووک شیوه‌ی عه‌رووزی و نوئ شیعری کوتووه. ئە‌و شاعیره له‌گه‌ل چهند که‌س له شاعیرانی سه‌رده‌می خۆی وه‌ک عه‌لی حه‌سه‌نیانی، سه‌دیق مه‌حموودی و فاتیح شیخ‌ولئیسلامی ده‌ستیان به کوتنی شیعری نوئ کردووه و کاره‌کانی سواره له‌وانی دیکه به‌رچاو‌تره. سواره کورپی ئە‌حه‌مه‌دئاغای حاجی بایزئاغای حاجی ئیلخانیه. له سالی ۱۳۱۶ی کۆچی هه‌تاوی له دێی تورجان که ئە‌وکات سه‌ر به شاری بۆکان بووه و پاشان خراوه‌ته سه‌ر سه‌قز له دایک بووه و له شاره‌کانی بۆکان، ته‌ورنیز و تاران خویندوو‌یه‌تی و له زانکۆی تاران لیسانسی حوقووقی وه‌رگر‌تووه و له ده‌زگای ده‌نگوره‌نگی ئیران له به‌شی کوردی دامه‌زراره و له‌و مه‌له‌بنده خزمه‌تیک‌ی زۆری به زمان و ویژه‌ی کوردی کردووه.

کاک سواره به زمانی فارسیش شیعری کوتووه و له‌گه‌ل گۆقاره به ناوبانگه‌کانی ئە‌وده‌می تاران وه‌ک: نگیں، فیرده‌وسی و ته‌ماش‌ا‌هاوکاری بووه و شوینده‌واریک‌ی زۆری له بواری شیعر و په‌خشان و شانۆنامه له دوا

به جی ماوه که ته نیا دوو کتیبی خه وه به ردینه «شیر» و تاپۆ و بوومه لیل «په خشان» که یه که میان له لایه ن ناوه ندی بلا و کرده وه ی فهره ننگ و ئه ده بی کوردی و دووه میان له لایه ن نه شری پانیز چاپ کراوه. ئه و بلیمه ته له سالی ۱۳۵۴ی هه تاوی له شاری تاران کۆچی دوابی کردووه و تهرمه که ی له گۆرستانی ناسراو به گونبه زانی دبی حه مامیانی بۆکان نیتراوه.

به شی دووهه می خویندنه وه ی وانهی ۴

سه یرانگه کانی کوردستان

له ناو خاکی کوردستان	هه ن سه یرانگه ی خۆش و جوان
یه کیکیان سه رچناره	سه وزه و دار و رووباره
ئه وه ی تریان ئه زمه په	شوینیکی گیان په روه ره
چیا یه کی سه ره به رزه	خۆشترین جیگه ی ئه رزه
دیمه نی هه یه سه ولتان	جوانه له به ری به یان
پیرام یان سه لاهه ددین	خۆشه به هار و هاوین
فینک و له به ر دلانه	شارۆچکیکی زۆر جوانه
باغ و ئاوه شه قلاوه	چه نده خۆشه ئه م ناوه
سواره تووکه و سه وولاو	بیخال، هیران له خۆشناو
گشتی ئه مانه جوانن	سه یرانگه ی کوردستانن

تمرینات درس چهارم

۱- فرق بین حرف صدادار «ه - ه» و حرف بی‌صدای «ه» را بنویسید.

ه =

ه =

ه =

ه =

۲- کلمات زیر را که با رسم‌الخط عربی نوشته شده‌اند با رسم‌الخط کُردی بنویسید.

ه =

بَشَر =

سَفَر =

دست =

خَطَر =

دَرمان =

سَرَباز =

۳- ۱۰ کلمه‌ی کُردی بنویسید که در آنها از حرف صدادار «ه - ه» استفاده شده باشد.

۴- کلمات زیر را با رسم الخط کردی بنویسید:

شرکت =

بهروز =

زندان =

مهربان =

بهباد =

احسان =

اشتها =

۵- پانزده کلمه‌ی کردی بنویسید که در آنها از مصوت «ئ» استفاده

شده باشد.

=

=

=

=

=

۶- سه واکنش ترکیبی را بنویسید که در آنها از مصوت «ئ» استفاده

شده باشد.

ریتنوسی وانهی ۵

حرف صدادار «ۆ»

به این حرف «ۆ»، واو کراوه‌وه یا باز می‌گویند. برای تلفظ این حرف دهان بیشتر از «و» کوتاه باز می‌شود در عربی آن را به صورت اعراب (حرکه) ضمه و شکل ُ نشان می‌دهند و در فارسی به آن پیش و در کُردی به آن بۆر می‌گویند. تلفظ آن مشابه ضمه اول کلمات عربی و پیش فارسی است. البته باید به این نکته توجه نمود که گاهی بعضی از کلمات مضموم (پیش‌دار) فارسی در زبان کُردی به صورت «و» کوتاه کُردی تلفظ می‌شوند مثلاً کلمه‌ی کُرد در کُردی به صورت کورد یا کُشتن به صورت کوشتن تلفظ می‌شود و این موضوع باعث شده که بعضی از صاحب‌نظران ضمه را معادل «و» کوتاه بدانند ولی معادل ضمه «ۆ» باز می‌باشد نه «و» کوتاه و این ناشی از اختلاف در تلفظ بعضی از کلمات در این دو زبان است. برای فهمیدن بهتر به کلمات زیر توجه فرمایید:

چۆم، رۆژ، کۆرپه، کۆلان، گۆرانی، جۆ.

کۆری چاو و لیتو و هه‌نیه‌ت وه‌ک ته‌رازوو کۆ ده‌چی
بۆنی زولف و رووی گولآله‌ت هه‌روه‌کوو شه‌وبۆ ده‌چی
عاشقی وه‌ک من هه‌ژار و بی سره‌وت و مات و کز
ریی له کۆری عاشقاندا کوا ده‌ده‌ن ئه‌ی بۆ ده‌چی

بزرۆکه یا کورته بزوین

این مصوت در عربی به کسره‌ی مختلسه مشهور است، کوتاه‌تر از کسره (ژیر - ئ) می‌باشد و صدایی بین سکون و کسره دارد و در فارسی معمولاً به صورت کسره ادا شده و این حرف نیز مانند «و» کوتاه مخصوص زبان کُردی است.

برای مقایسه‌ی کسره در فارسی و بزرۆکه در کُردی به دو کلمه‌ی زیر توجه کنید:

فارسی - مَسْ دَلْ

کُردی - مَس دَلْ

در زبان کُردی با الفبای عربی، این مصوت در تلفظ وجود دارد ولی در کتابت نوشته نمی‌شود و تاکنون علامتی برای آن تعیین نشده است. استاد عبدالرحمن شرفکندی «هه‌ژار» از علامتی مثل سکون عربی برای نشان دادن این مصوت استفاده کرده است مانند: قُژ، کُل، پُل، پُر؛ که از طرفی تشابه این علامت با علامت سکون ایجاد اشکال می‌نماید و از طرف دیگر این‌گونه تصمیمات باید به وسیله‌ی یک مجمع علمی یا فرهنگستان گرفته شود و نظریه‌ی شخصی با هر درجه و پایه‌ی علمی نمی‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

در نوشتن رسم‌الخط کُردی با الفبای لاتین علامت «İ» برای این حرف صدا دار در نظر گرفته شده است، مانند:

گُردی با رسم‌الخط عربی = مست پل گر پرد

گُردی با رسم‌الخط لاتین = Pird Gir Pil Mist

چاوی مه‌سیت بن‌هه‌موو شت کیشه ده‌فروشی به‌لام

ئاگری فیتنه له گۆری ئه‌و کیل و کلدانه دی

«هیدی»

به این نکته باید توجه داشت که در اول هر کلمه‌ای که با دو حرف صامت پشت سرهم شروع شده است، حتماً بزروکه می‌آید مانند: من، پرد، قری.

چنانچه در آخر کلمه دو حرف صامت به دنبال هم بیایند، آمدن بزروکه در میان آنها بستگی به نحوه‌ی تلفظ آن کلمه دارد. ممکن است بزروکه بیاید و یا این‌که نیاید.

در کلمات زیر آمده است:

کردن، دوژمن، بن‌بری.

و در کلمات زیر نیامده است:

کورد، کورت، گورگ.

اگر در وسط کلمه، در دو بخش جداگانه‌ی آن، دو حرف بی‌صدا

در کنار هم قرار گیرند، چون هر یک از این حروف به یک خوشه‌ی

همخوانی تعلق دارند، در میان آنها بزروکه نمی‌آید. مانند: کرته -

پژدهر - مسگهر.

خویندنه‌وهی وانهی ۵

حوسه‌ین عارف

ئەم نووسەرە ناوی حوسه‌ین عارف عەبدولپەرەحمانە، لە ساڵی ۱۹۳۶ لە شاری سوله‌یمانی لە دایک بووه. خویندنی سەرەتایی و ناوەندی و دواناوەندی لەو شارە تەواو کردووه و لە کۆلیجی قانون «زانکۆی حقوق» وەرگیراوه و لە ساڵی ۱۹۶۵ لەو زانکۆیە پروانامەی بە کالۆریۆسی (لیسانس) وەرگرتووه و بۆتە فەرمانبەری حوکومەت و پاشان بۆتە پارێزەر و لەو ماوەدا کاروباری رۆژنامە‌نووسیشی کردووه. لە ساڵی ۱۹۸۹ هاتۆتە‌وه سوله‌یمانی و لەو شارە نیشته‌جێ بووه و ئیستا لە‌وساوه لە دەزگای رۆشنیبری و چاپ و بلاو کردنه‌وهی سەرده‌م کار ده‌کا و ئەندام پارلمانی کوردستانیشه.

حوسه‌ین عارف سەرەتای کاری نووسینی بە نووسینی چیرۆکی کورت دەست پێکردووه و چەند کۆمە‌له‌ چیرۆکی بە چاپ گه‌یاندووه و پاشان دەستی بە رۆمانوسین کردووه و تا ئیستا ئەو رۆمانانەی بە چاپ گه‌یاندووه:

۱- شار.

۲- ئەندیشه‌ی مرۆفیک.

گه‌له‌ گورگ یه‌ کێک له‌ کۆمە‌له‌ چیرۆکه‌کانی ئەم نووسەرەیه‌ که

ناوبانگێکی زۆری هه‌یه‌.

ئەو مامۆستایە لە چیرۆک و رۆمانەکانیدا لە دەرد و ئازاری مرۆف دەدوئ و ئەو ستممانە لە گەلی کوردی عێراق کراوە نیشان دەدا و نووسراوەکانی ئاوێنەییەکی تەواوی رووداوەکانی سەردەمی خۆیەتی، بە تاییەت لە رۆمانی ئەندیشهی مرۆفیکدا زۆر بیر و هزری قوولی فەلسەفی بەدی دەکری و مامۆستا بە روانگەییەکی زۆر ورد و زانستییانە دژایەتی خۆی لە گەل هیندییک بیر و باوەری زالی سەردەم دەربەرپووە و خستوونییە بەر پرسیار. مامۆستا پیتی وایە گۆرانکاری لە کۆمەڵدا دەبێ بنچینەیی و قوول و بە ئارامی بێ و دژی هەر جۆرە گۆرانکاری لە رینگای کودیتا و توند و تیشییە.

دواھەمین بەرھەمی چاپکراوی مامۆستا حوسەین کتیبیکە بە ناوی «کۆکتیل» کە تیکەلێکە لە شیعەر، شیعری وەرگێردراو، چیرۆک، چیرۆکی وەرگێردراو، وتار، وتاری وەرگێردراو، رەخنە و لیکۆلینەو، گەشتنامە، دیدار.

بەشی دووھمی خویندەوھمی وانەیی ۵

بووک

خەوت دئی خۆ دەزانم
سەرت بخە سەر رانم
تائەو کاتەیی دەتوانم
تۆ دەبی بە میوانم
خۆشم دەوتی وەک گیانم

بووکی بیچکۆلەیی جوانم
لای لای بکە بخەووە
ئاگام لیت ئەبێ ئەمن
دوایەش دەتەمە مالتی
جل و بەرگت بۆ دەکرم

«دوکتور عومەر حیسامی»

تمرینات درس پنجم

۱- بیست کلمه بنویسید که در آنها از مصوت «ؤ» استفاده شده باشد.

۲- فرق بین مصوت «ؤ» و مصوت «و» کوتاه چیست.

۳- بزرگه را با ذکر ۳ مثال توضیح دهید.

۴- دو کلمه بنویسید که آخر آنها دو حرف صامت پشت سرهم بوده و در میان آنها بزرگه وجود داشته باشد.

۵- سه کلمه بنویسید آخر آنها دو حرف صامت پشت سرهم بوده و در میان آنها بزرگه وجود نداشته باشد.

۶- در این رباعی جاهایی که بزۆکه هست بنویسید:

من ئەوینداری کهزی و بسکی زراو و شوپۆم
دلنیاشم به‌وه قهت تازه به‌لین ناگۆرم
ئیتستا وهره لام ده‌ناگهر مردم
سوودی چیه کاکه بیه‌وه سهر گۆرم

«هێڵی»

Glor = G + I + W + S + Z

رینوسوی وانهی ۶

بحثی پیرامون مصوت‌های مرکب [وی - وئ - وای]

در بعضی از زبان‌ها گاهی دو یا چند حرف صدادار بدون فاصله به دنبال یکدیگر در یک بخش می‌آیند که تلفظ مخصوصی را پدید می‌آورند که آن را مصوت مرکب «Diphthong» می‌گویند. در زبان کردی نیز در بعضی کلمات مصوتی مرکب با تلفظ «وی - وئ» وجود دارد، نظیر کلمات: گوئز، سوئر، خوئن، کوئر، هه‌نگوئن، نینگوئن، که در آن حروف وئ - وی نوعی مصوت مرکب به وجود آورده‌اند. مثلاً در کلمه گوئز «وئ» مصوتی مرکب درست کرده و با الفبای لاتین چنین نوشته می‌شود: «Gûez» که حروف «ûe» مصوت مرکبی را پدید آورده‌اند. همچنین در کلمه‌ی نینگوئن «Nênguîn» «ûi» مصوتی مرکب است بعضی از کارشناسان زبان را عقیده بر این است که در زبان کردی مصوت مرکب وجود نداشته و بلکه در این نوع کلمات تلفظ ویژه‌ی حروف «وی - وئ» تحت تأثیر حرف ماقبل آنها می‌باشد. برای مثال در کلمه‌ی گوئز: حرف صامت: «گ + بزرؤکه + حرف صامت «و» + مصوت «ئ» + حرف صامت «ز».

$$\text{Giwêz} = \text{G} + \text{I} + \text{w} + \hat{\text{e}} + \text{z}$$

یعنی در کلمه‌ی بالا بزرۆکه بعنوان یک مصوت کوتاه باعث ایجاد تغییر آوایی در تلفظ گردیده است که البته با توجه به این‌که هیچ کس در تلفظ، حروف ماقبل «وی - وئی» را در این کلمات به صورت تمایل به کسره تلفظ نمی‌کند و اصولاً امروزه زبان‌شناسی علمی بر اساس فونتیک استوار است، ضمن احترام به نظرات سایر صاحب‌نظران به نظر من بعد از حروف ماقبل «وی - وئی» بزرۆکه وجود نداشته و من «وی - وئی» را در زبان کُردی مصوت مرکب (Diphthong، دوو لایه‌نه) به حساب می‌آورم.

مصوت مرکب «وا» نیز در بعضی از کلمات وجود دارد، مانند: «چوار» که بعد از حرف «چ» مصوت مرکب «وا» آمده است.

خویندنه وهی وانهی ۶

جه وههر کرمانج

ئهو شاعیر و وهرگپره له دهشتی ههولپیر له دایک بووه. خویندنی سه ره تایی و ناوهندی و دواناوهندی له ههولپیر تهواو کردووه. له سالی ۱۹۷۰-وه دهستی به کوتنی شیعر کردووه و ئه ندایمی یه کیه تی نووسه رانی کورد بووه. له رۆژنامه و گۆفاره کاندای تاریکی زۆری بلاو کردۆته وه و کاری رۆژنامه وانی کردووه. به زمانه کانی کوردی و عه ره بی و فارسی شاره زایی هه یه و چهند کتیبی شیعی به ناوه کانی: سووتان له نیوان غوربهت و نیشتماندا - رز و زریان - تفهنگ و کتیب (که به ناوی دیوانی جه وههر کرمانج چاپی کردووه). ئه م کتیبانه شی وهرگپراوه ته سه ر زمانی کوردی: گو له زهر د مائاوا - خه ونه کانی دپله گورگ - جه میله، هه رسیکیان له چه نگیز ئاتما تۆفه وه. په ر له سه لیم به ره کات. کۆمه له و تاریکی شی به ناوی شیر و خه ت بلاو کردۆته وه.

کاک جه وههر سالانیک زۆر له شاخ دژی رژی می به عس خه باتی کردووه و چهند سالیش له ئیران ژیاوه. ئه م شاعیر و وهرگپره هه ر ئیستا له شاری سلیمانی ده ژی و خه ریکی کاروباری ئه ده بییه و ئه رکی یاری ده ری سکر تیری گشتی یه کیه تی نیشتمانی به ریز مام جه لال تاله بانیشی له ئه ستۆیه.

بهشی دووهمی خویندنهوهی وانهی ۶

بهرگی کوردی

رۆژێ ده‌یفه‌رموو بابه	رۆله نه‌چی له‌بیرتان
وته‌ی دایه‌گه‌وره‌یه	فه‌رمایشتی باپیرتان
ئه‌م جل و به‌رگه‌ جوانه	میراتی باپیرانه
هه‌مووتان بیپاریزن	هه‌میشه‌ جیگای ریزن
رانک و چۆخه‌ و جامانه	هه‌مووی به‌رگی خۆمانه
کلاشی هه‌ورامانی	فه‌ره‌نجی یان سۆرانی
بیکه‌ به‌رت به‌ مه‌ردی	جیگای شانازی کوردی
کراس له‌گه‌ل کۆلوانه	هه‌ر له‌ دایکی من جوانه
ده‌سمالی شانەوشانی	ده‌سمالی شانەوشانی
پشتین زه‌رده‌ گوڵی ورد	له‌ تۆ جوانه‌ کچی کورد
پیروژت بئێ بیۆشه	کئی وه‌کوو تۆ دلخۆشه
قه‌ت به‌ که‌می نه‌زانی	چون گه‌لی کورد زمانی

سه‌لاح نیساری

ریتووسی وانهی ۷

«ل» قه‌لهو (درشت) و «ل» لاواز (خفیف)

در کردی دو نوع «ل» داریم یکی «ل» لاواز که تلفظ آن همانند «ل» در زبان فارسی است مانند: لیو - مل - بلویر - کل.

دیگری ل قه‌لهو (ل) که در فارسی وجود ندارد و مخصوص زبان کردی است و در زبان‌های ترکی آذربایجانی و انگلیسی وجود دارد، مثال کردی: مأل - کال - کولیو - کوله‌که - شالاو.

برای تشخیص «ل» قه‌لهو (ل) از ل لاواز (ل) بر روی آن علامت «^۷» قرار می‌دهیم. در زبان ترکی آذربایجانی این تلفظ وجود دارد مانند: مأل و کال و در زبان انگلیسی هرگاه دو حرف LL پشت سر هم بیایند تلفظ مشابه ل قه‌لهو کردی را ایجاد می‌نمایند، مانند: CALL - SHALL.

حرف «ل» قه‌لهو یا درشت (ل) هیچ وقت در اول کلمات نمی‌آید و تمام «ل»های اول کلمات، ل لاواز یا خفیف هستند مانند: لیو - لووره.

بیری سه‌ربه‌رزیه وای لی‌کردن	باب و کالت به نه‌زانی مردن
بای بلندی سهر و دل ده‌گری	هه‌رکه‌سی به‌رزه فره زوو ده‌مرئ
لای جن و دیوه به‌لای زور پیوه	مالی ئیوه که لووتکه‌ی کیوه

حرف «ر» قه‌له‌و یا درشت (ر)

چنانچه نوک زبان به ابتدای سقف زبان چسبیده و به پشت دندان‌های فوقانی برسد، تلفظ این حرف ممکن خواهد بود، در حالی که برای تلفظ «ر» لاواز یا خفیف می‌بایست نوک زبان را به پشت دو دندان وسط بالایی نزدیک کرد.

در زبان کُردی همه کلماتی که با حرف «ر» شروع می‌شود حتماً «ذ» درشت است، عده‌ای را عقیده بر این است که برای حفظ زیبایی کلمه بهتر است علامت «^۷» بر روی «ر»های اول کلمات گذاشته نشود ولی عده‌ای معتقد هستند «^۷» از اختصاص «ر» قه‌له‌و یا درشت می‌باشد و باید بر روی «ر»های اول کلمات نیز علامت «^۷» گذاشت، البته امروزه به خاطر مسایل حروفچینی علامت «^۷» را در زیر «ر» قرار می‌دهند.

چند مثال برای «ر» درشت: رۆژ - رپۆی - کۆر - غه‌رغه‌ره.

ئه‌و هه‌موو زولفه به زنجیری مه‌که بۆ منی هه‌ژار

پیره که‌رویشکی له گۆر که‌وتبئی راویکی به‌سه

خویندنه‌وهی وانهی ۷

میرزا برایم (ی) ئەفخەم

شاعیر و نووسەری کورد، لە ساڵی ۱۳۰۰ی کۆچی هەتاوی لە شاری بۆکان لە دایک بوو. خویندنی خۆی لە لای برای گەورە میرزا عەبدوڵلا (ی) ئەفخەم دەسپیکردوو و پاشان موقەددەماتی سەرف و نەحو و ئەدەبی فارسی لە لای برای زانای حاجی مەلا هادی ئەفخەمزادە خویندوو و لە ساڵی ۱۳۲۶ هەک فەرمانبەر لە ئیدارەیی دارایی دامەزراو و لە ساڵی ۱۳۶۳ لە شاری بۆکان خانەنشین کراو و لە ساڵی ۱۳۷۴ هەر لەو شارە کۆچی دوایی کردوو. میرزا برایم مەرووفیکی ماندوو نەناس و دڵسۆز بوو و لە ماوەی ژیانی خۆیدا هەولێکی زۆری بۆ کۆکردنەوهی مێژوو و جوغرافیا و کەله‌پووری گەله‌کەیی داو و توانیویەتی ئەم بەرھەمە بە نرخانە بخولقێنی :

- ۱- دیوانی ئەفخەمی «شێعر»
- ۲- دیاری نوێ «شێعر»
- ۳- تاریخ فرهنگ و ادب موکریان «بۆکان»
- ۴- تاریخ و فرهنگ و ادب موکریان «مهاباد، اشنوویه، سردشت»
- ۵- قیام ملا خلیل و رد فرمان رفاخان
- ۶- قیام سمایل ناغا شکاک
- ۷- بنەرەتی مەتەلی کوردی «لینکۆلینەوه»
- ۸- ئەوه چیه «فۆلکلۆر»
- ۹- فیهی شافیعی بە هەلبەست.

ئەم شاعیرە بۆ یەکەم جار لە مێژووی ئەدەبی کوردیدا لە بەشێکی زۆر لە شێعرەکانیدا بە شیوێی تەنز «گەپ و گالته‌جار» رەوشت و ئاکاری خراب و دزیوی کۆمەلگا دەخاتە بەر پرسیار و پەلامار، و دەکرێ بکووترێ، داھینەری ئەم شیوێ شێعرە بەرێز میرزا برایم (ی) ئەفخەمی بێ. لە بنەرەتی مەتەلی کوردیشدا سەرچاو و بنچینەی بەشیک لە مەتەلێ کوردییەکان روون دەکاتەوه.

تمرینات درس هفتم

۱- چرا همزه یک حرف بی صدا است؟

۲- ده کلمه بنویسید که در آن همزه وجود داشته باشد؟

۴- این کلمات را با رسم الخط کُردی بنویسید:

آرد « آش » « اخلاق » « ابدأ »
 « آرگان » « مایوس »

۵- پنج کلمه بنویسید که «ر» خفیف «لاواز» در آن وجود داشته باشد.

۶- پنج کلمه بنویسید که «ر» درشت (قه‌له‌و) در اول آن باشد و پنج

کلمه بنویسید که «ر» درشت (قه‌له‌و) در وسط یا آخر آن باشد.

۷- ده کلمه بنویسید که در آنها حرف «ف» به کار گرفته شده باشد.

۸- ده کلمه بنویسید در آنها حرف «ل» خفیف (لاواز) به کار گرفته شده باشد.

۹- ده کلمه بنویسید که در آنها از «ل» درشت (قه‌له‌و) استفاده شده باشد.

۱۰- ده کلمه بنویسید که در آنها از «ل» درشت (قه‌له‌و) استفاده شده باشد.

۱۱- ده کلمه بنویسید که در آنها از «ل» درشت (قه‌له‌و) استفاده شده باشد.

۱۲- ده کلمه بنویسید که در آنها از «ل» درشت (قه‌له‌و) استفاده شده باشد.

۱۳- ده کلمه بنویسید که در آنها از «ل» درشت (قه‌له‌و) استفاده شده باشد.

۱۴- ده کلمه بنویسید که در آنها از «ل» درشت (قه‌له‌و) استفاده شده باشد.

ریتنوسی وانهی ۸

کلمات خارجی که در زبان کُردی وارد شده‌اند چطور باید نوشته شوند؟

در زبان کُردی از زبان‌های دیگر و بیشتر از همه از زبان عربی کلمه وارد شده است. حال باید این کلمات با چه رسم‌النخطی نوشته شوند.

چنانچه قبلاً گفتیم تعدادی از حروف مخصوص عربی مانند: ط - ظ - ض - ذ - ث - ص. در زبان کُردی چنین نوشته می‌شوند.

ت	ط	به جای
ز	ظ. ض. ذ	به جای
س	ث. ص	به جای

و به جای اعراب از حروف استفاده می‌کنیم یعنی به جای فتحه از «ه» به جای کسره از «ئ» و به جای ضمه از «ۆ» استفاده می‌کنیم و با توجه به نکات بالا تقریباً ۵۰٪ نوشتن رسم‌النخط کُردی را آموخته‌ایم. در مورد نوشتن کلمات عربی در زبان کُردی دو نظریه ارایه شده است؛ یکی اینکه کلمات عربی که حروف مخصوص عربی دارند با همان حروف نوشته شده و در نوشتن آنها از قواعد مخصوص

رسم الخط عربی استفاده شود که البته به عقیده‌ی ما این طرز نوشتن درست نیست زیرا در نوشتن یک زبان فقط باید از یک نوع الفبا استفاده شود این غلط در نوشتن زبان کُردی با الفبای لاتین بیشتر محسوس است برای مثال کلمه عربی صلح با رسم الخط کُردی با الفبای عربی «سولح» و با الفبای لاتین «sûlh» نوشته می‌شود که چون الفبای لاتین و کُردی از لحاظ شکل کاملاً جدا هستند این تفاوت به خوبی آشکار بوده و لزوم نوشتن کلمات عربی با الفبای کُردی را به خوبی مشخص می‌سازد.

در مورد نوشتن تشدید در زبان کُردی چون در نوشتن زبان کُردی

کاملاً از شیوه‌ی فونتیک استفاده می‌شود و کلمات چگونه تلفظ می‌شوند همانگونه هم نوشته می‌شود در بخش کردن کلمات مشدد تکرار حرف مشدد کاملاً محسوس است پس باید به جای نوشتن تشدید بر روی حرف آنرا دوبار نوشت مانند:

بزّاز ← به‌ززاز

عبدالله ← عه‌بدو‌صلاً

مصلح‌الدّین ← موسلی‌جو‌ددین

در کُردی کلمات حروف مشدد کم داریم و می‌توان در نوشتن کلمات مشدد که کُردی هستند هم با تکرار حرف و هم بدون آن نوشت مانند: خللۆر یا خلۆر

در نوشتن کلمات بیگانه هر کلمه‌ای که از زبان بیگانه وارد کُردی شود باید تمام قواعد زبان کُردی «از لحاظ فونتیک - فونولوژی - مورفولوژی - سیتاکس» را بپذیرد. مثلاً کلمه‌ی «ته‌ماته» که تغییر یافته‌ی تومیته‌وی انگلیسی، «ته‌واو» که تغییر یافته‌ی «تمام» عربی و «ثاقل» که تغییر یافته‌ی عاقل عربی است، از نظر ساختاری تغییر پیدا کرده و به مرور در زبان کُردی تثبیت شده‌اند، همچنین اگر برای چیزی دو کلمه بیگانه و خودی باشد باید از کلمه‌ی خودی استفاده شود.

۱- در بعضی از لهجه‌های کُردی چنانچه حرف «ک» در جلو یکی از حروف «ی - ئ - وئ» قرار گیرد، تلفظی مابین «ک» و «ج» پیدا می‌کند که به آن «ک» کلۆر (اجوف) می‌گویند مانند:

کیسه - کیله - کیرد - کویر - کوستان
همچنین «گ» نیز اگر در جلو حروف «ی - ئ - وئ» قرار گیرد، تلفظی میان «گ» و «ج» پیدا می‌کند مانند:
گیسک - گیشه - گیره - گوینی - هه‌نگوین - نینگوین.

خویندنه‌وهی وانهی ۸

سه‌یدتا‌هیر هاشمی

شاعیر، لیکۆلەر و خه‌تخۆشی به‌ناوبانگی کورد، به‌گویره‌ی نووسراوی خۆی له‌کتیپی «هه‌وارگه‌ی دلان» داله‌سالی ۱۳۳۲ی کۆچی مانگی له‌دی‌ده‌ولت‌ئاوا‌سه‌ر به‌ناوچه‌ی ره‌وانسه‌ری شارستانی پاوه‌ی پارێزگای کرمانشان له‌دایک بووه. باوکی «سه‌ید قه‌یدار» له‌بنه‌مائه‌ی ساداتی سۆله‌یی به‌رزنجی و دایکی «ئه‌خته‌ر خانم» کچی فه‌تاح‌به‌گی سه‌ردار ئه‌که‌رم له‌به‌گزاده‌کانی جافی جوانپۆن. له‌ده‌ولت‌ئاوا له‌لای مه‌لا ره‌حیمی سنه‌یی و برای گه‌وره‌ی خۆی سه‌ید وه‌جیه‌ددین و مه‌لا فه‌یزوللای دۆلایی خویندوو‌یه‌تی و له‌ته‌مه‌نی شازده‌سالی‌دا ده‌ستی به‌کوئنی شیعی‌ی فارسی و کوردی کردووه و بووه‌ته‌شاعیرێکی باش و له‌گه‌ڵ به‌رنامه‌ی کوردی رادیۆ کرمانشانی ه‌اواکاری کردووه و به‌رنامه‌یه‌کی به‌ناوی هه‌وارگه‌ی دلان پینشک‌ه‌ش کردووه و وتاریکی زۆریشی سه‌باره‌ت به‌شیعر و ئه‌ده‌ب نووسیوه. به‌تایبه‌ت له‌شی‌کردنه‌وه‌ی شیعه‌کانی مه‌وله‌وی تاوه‌گۆزی زۆر شاره‌زا بووه و له‌ساغ‌کردنه‌وه و مانالیدانی شیعه‌کانی مه‌وله‌وی یارمه‌تی مامۆستا مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌پررسی داوه بۆ ئاماده‌کردنی دیوانی مه‌وله‌وی.

ئەو زاتە خەتخۆشیکى بە ناوبانگیش بوو و چەند کتیبىكى بە خەتى
خۆشى خۆى نووسیوه تەووە کە یەک لەوان کتیبى: «دەلایلوخەیرات»
سەید تاهیری سەیدزادەى هاشمى لە ریکەوتى ۱۳۷۰/۴/۲ رۆژى
جێژنى قوربان لە شارى کرماشان کۆچى دوایى کردوو. و تەرمەکەى
لە دەولەت ئاوا نێژراوه.

بەشى دووهەمی خویندنهوهی وانەى ۸

هاوارەبەرە

هاوارەبەرە رۆمانیکە بە شیوهی ریالیستی. کاک فەتاح «ئى» ئەمىرى
نووسەرى بۆکانى ئەو رۆمانەى نووسیوه. هاوارەبەرە رووداویكى تايبەت
بە بەشیک لە نیشتمانە کەمان دەگێریتەو و پرە لە وشەى جوان و رەسەنى
لادىيەکانى موکریان. ئەو رۆمانە لە دوو بەرگدا چاپ کراوه و بەرگى
دووهەمى لە لایەن نووسەرەوه «میرزا» ناو نراوه. زمانى ئەو رۆمانە زۆر
شیرین و پاراوه و کاک فەتاح جگە لەوہى خوینەرەن فیرى زۆر وشە و
زاراوهى تايبەتى گوندەکان دەکا، وشەگەلیكى زۆریش کە پێوهندیان
لەگەڵ کەرەسە و ئامرازى کشت و کال و ئازەلدارى لە رابوردودا بووه
لە فەرماوش بوون و نەمان رزگار دەکا.

لێرەدا بۆ نموونە چەند دێرێک لەو کتیبە بە نرخە دەخەینە بەرچاوى
خویندکاران:

نیوەرۆى رۆژیکى مانگى بانەمەرە، مەر لە پالین دایە، مەر پشتى
گەرم داها توو، شوان خەریكى نان خواردنە، رىخە مەر ولاتى داگرتوو،

رینووسی وانهی ۹

جدانویسی و سرهم نویسی کلمات

مبحث جدانویسی و سرهم نویسی کلمات مبحثی است که هم در زبان فارسی و هم در زبان کردی در میان زبان‌شناسان و ادبا اختلاف رأی بسیار است. به خصوص در زبان فارسی این مقوله بسیار مفصل بحث شده و در کتب درسی هم به طور کلی تثبیت نشده و هنوز هم گاهگاهی تغییراتی در کتاب‌های دبیرستانی و دانشگاهی بر این اساس می‌دهند. در رسم‌الخط کردی دو نظریه متفاوت از هم وجود دارد و برای درک بهتر این موضوع لازم است به شرح انواع کلمه بپردازیم:

۱- کلمه ساده: کلمه‌ای است که از یک جزء تشکیل شده باشد و ممکن است مستقل باشد یعنی خود به تنهایی و بدون کمک کلمه‌ی دیگر دارای معنی کامل و مختص به خود باشد. معنی کامل از این نظر که به کمک کلمه‌ی دیگر برای داشتن معنی محتاج نباشد و مختص به خود یعنی اینکه این معنی فقط مخصوص خودش باشد مثلاً درخت که کلمه ساده‌ی مستقلی است و در موقع شنیدن این کلمه جسمی را که دارای ریشه و ساقه‌ی نسبتاً ضخیم و شاخه و برگ است به نظر می‌آوریم که این صفات مختص به این جسم است.

کلمه مستقل نظیر:

وینجه - دار - سپی - سینه‌ما - چوار - خه‌وتن - ئەو - زۆر.

چنانچه دقت کنیم یکی از اقسام کلمه هستند.

وینجه و دار = اسم

سپی = صفت

ئەو = ضمیر

سینه‌ما = اسم

زۆر = قید

چوار = عدد

خه‌وتن = مصدر

۲- کلمه‌ی ناقص: به کلماتی گفته می‌شوند که به تنهایی دارای

معنی نیستند و با کمک کلمات دیگر در جمله ادا می‌شوند مانند:

ادوات الحاقی - حروف اضافه - حروف عطف - ندا - نشانه.

۳- کلمه مرکب: کلمه‌ای است که از دو کلمه‌ی مستقل ساده یا

یک کلمه مستقل ساده و یک کلمه ناقص تشکیل شده باشد که در

حالت اول در گُردی به آن وشه‌ی لیکدراو و در حالت دوم به آن

وشه‌ی دارپژاو می‌گویند.

مثال برای کلمه مرکب که از یک کلمه ناقص و یک کلمه مستقل

درست شده باشد «دارپژاو»: بیده‌نگ - باشتر.

حال که با کلمات مستقل، ناقص و مرکب آشنا شدیم به شرح نظر خودمان درباره‌ی جدانویسی و سرهم نویسی می‌پردازیم :

هر واژه‌ای که معنی مستقلی دارد باید به صورت جداگانه نوشته شود و واژه‌ای که دارای معنی ناقص است و با اضافه شدن با واژه‌ی دیگر صاحب معنی می‌شود و یا با پیوستن به واژه‌ی مستقلی معنی دیگری به غیر از معنی واژه‌ی مستقل که به آن اضافه شده، به وجود می‌آورد، باید به صورت سرهم نوشته شود. لازم است در مورد سرهم‌نویسی و جدانویسی کلمات موارد زیر رعایت کنیم :

۱- افعال ساده در جمله به صورت جداگانه نوشته می‌شوند مانند :

پیرۆت له بارامی دا

نیشتمان رویش

رزگار کاری کرد

۲- کلمات مرکبی که از دو جزء معنی دار مستقل به وجود آمده‌اند

و پس از ترکیب معنی تازه‌ای به وجود می‌آورند، باید سرهم نوشته شوند.

ری + پیوان = ریپیوان

گویی + گرتن = گوینگرتن

۳- پیشوند (پیشگر) و میانوند (نیوانگر) و پسوند (باشگر) به کلمه

می‌چسبند.

مانند : بیکهس - لیدوان - چاوپیکهوتن - کارتیکردن - له‌ویدا - مسگهر.

۴- صفت تفضیلی (ئاوه‌لناوی سه‌ری) به اسم پیش از خود می‌چسبد مانند : چاکتر - خوشر - قوولتر - ترسه‌توکر.

چنانچه «تر» به معنی دیگر باشد باید جدا نوشته شود مانند :

کاریکی تر - به‌رخیکی تر - مالینکی تر - جاریکی تر.

۵- حرف عطف «و» که کلمات یا عبارات و جملات را به هم مربوط می‌کند، به کلمه پیش از خود نمی‌چسبد.

مانند : بانه و مهربوان خوشرن - ریین و ئاسوس بران.

ولی اگر حرف عطف «و» باعث به وجود آمدن معنای تازه‌ای در کلمه‌ی مرکبی که با کمک حرف عطف «و» به وجود آمده است، شود «و» به کلمه ماقبل خود می‌چسبد.

مانند : خرینگوهور - زرموکوت - نهرمونول .

۶- «ی» اضافه باید به کلمه پیش از خود بچسبد.

مانند : بۆکانی - عیرفانی - خوارده‌مینی

خویندنه‌وهی وانهی ۹

هیدی

ئەو شاعیره ناوی خالید کوری حاجی حەمەدئاغا، کوری حاجی عەولآغا و لە عەشیرەتی دێوکرییە و لە ساڵی ۱۳۰۶ی هەتاوی لە دینی شینخالی سەر بە شاری مەهاباد لە دایک بوو و لە گوندی شینخالی و شاری مەهاباد خویندوویەتی و شارەزاییەکی تەواوی لە ئەدەبی فارسی و کوردی پەیدا کردوو و هەر لە سەرەتای لایبەوه شیعری کوتوو. هیدی لە ساڵی ۱۳۴۳ی هەتاوی پەربووی کوردستانی عێراق بوو و لە ریزەکانی شۆرشی کوردستانی ئەودیودا دەستی بە خەبات کردوو و ماوه‌یه‌کی زۆر لە ئێزگی شۆرش و کاروباری رووناکبیری کاری کردوو و پاش تیکچوونی شۆرش گەراوەتەوه ئێران و لە عەزیمیەکی کەرەج نیشتەجێ بوو و پاشان لەسەر داخواری کاک مەسعوود بارزانی چوو بۆ کوردستانی عێراق. ئیستا لە شاری هەولێر دەبێ و ئەندامی کۆری زانیاری کورده و لە لایەن سەرۆکی حکوومەتی هەرێم پلەیی هاوتای وەزیری پێدراو.

هیدی شاعیریکی بەهەست و ناسک خەیاڵ و لە بواری شیعری جوانی و عاشقانه بێ‌وێنەیه و شیعری نیشتمانیشی زۆر کوتوو. بەرهەمی چاپکراوی ئەو شاعیره مەزنە سێ کتیبی: کاروانی خەیاڵ (شێعر) ئاویتەشکاو (بیرەوه‌ری) و وەرگێرانی کتیبی کورد و کوردستانی واسیلی نیکیتین لە فارسی بۆ کوردییە. هیوادارین ئەو شاعیره تەمەنیکێ زۆری تر بژی و هەروەها خزمەت بە کۆلتووور و ئەدەبی نەتەوه‌کەیی بکا.

بهشی دووهه می خویندنهوهی وانهی ۹

رهشید فندی

لیکۆلەر و ئەدیبی کورد «رهشید فندی» له سالی ۱۹۴۸ له شاری دهۆک له دایکبووه و خویندنی خۆی له شارهکانی: دهۆک، ههولیر و سلیمانی و مووسل تهواو کردووه و له سالی ۱۹۷۱ بووه ته ئەندامی یهکیه تی نووسه رانی کورد و هه ر ئیستا ئەندامی کۆری زانیاری کورده. ئەو مامۆستایه له بواری لیکۆلینهوهی ئەدهبی ههولییکی زۆری داوه و تا به ئیستا ئەم کتیبانهی به چاپ گه یاندووه:

۱. چه ند تیرۆژیک له سه ر رۆژنامه گه ریی کوردی.

۲. عه لی ته رماخی یه که مین ریزمان نووسی کورد.

۳. ئەلهوو بلند فریت «هه لۆ به رز ده فری» که لیکۆلینهوه یه که له سه ر

شیعه نه ته وایه تیه کانی مامۆستا هه ژار.

۴. کتیبیک له سه ر شیعی کلاسیکی کوردی.

۵. کتیبیک به زمانی عه ره بی له باره ی خانیدا.

تمرینات درس ۹

۱- مشخص کنید در میان واژه‌های زیر کدام یک مستقل و کدام یک ناقص است.

ترئ - شهو - به - نده - هه‌ژار - بی - هه‌ل - کار - ان

میوان - پیاو - کیچ - دا - تر - چاو - تازا - گهر - چوار

واژه‌ی مستقل: شهو

واژه‌ی ناقص: بی

۲- در کلمات مرکب زیر واژه‌های مستقل و ناقص را مانند نمونه

از یکدیگر جدا کنید:

۱. ناوره سووره: تاور + ه + سوور + ه

۲. لیدان

۳. کریکار

۴. خوینده‌وار

۵. بیتکار

۶. ئاسنگهر

۷. ئاشه‌وان

۸. کرچوکال

۹. زۆردار

۱۰. بریندار

۱۱. خه‌و لیکه‌وتن

۱۲. جواتتر

۱۳. چاوپیکه‌وتن

۳- عباراتی را که از نظر سرهم و جدانویسی نادرست هستند به صورت درست بنویسید.

- حهسه نوکه ریم پی که وه بران.

- شنۆ خوش ترین و کۆن ترین شاری نازهر بایجانی رۆژاوايه.

- بارام دویتنی به وئی دا رۆویی.

- کاوه زۆری له براکهیدا.

- خه م سهری لئی دام و یارم قهت سهریکی لئی نه دام.

- عیل له تی دهردو دهواکه م وا به لئیوی شه ککه ره.

- لئی دوان ووت و یژیککی زۆرمان له و باره دا ئه نجامدا.

- له گه لم زۆر گه رم و گور بوو.

- له و باره یه وه شتیکیتر نازانم باش تر وایه له نازاد پیرسی.

رینووسی وانهی ۱۰

سجاوندی «نشانه‌گذاری»

مقصود از «نقطه‌گذاری» یا «سجاوندی»، به کار بردن علامت‌ها و نشانه‌هایی است، که خواندن و فهم درست مطالب را آسان می‌کند و در رفع بعضی ابهامات کمک می‌نماید.

۱. خال = نقطه (.)

نقطه در موارد زیر به کار برده می‌شود:

- الف - در پایان جمله‌های کامل خبری یا انشایی، مانند:
 - حسن، یکی از شاگردان خوب کلاس است.
 - حه‌سهن، یه‌کیک له قوتاییه باشه‌کانی پوله.
 - مبادا که ماشین تو را زیر بگیرد.
 - نه‌وهک ماشن وه‌به‌رت دا.
- ب - پس از هر حرفی که به صورت نشانه اختصاری به کار رفته مانند:
 - ک. د. (کریم دافعی)
- سال ۴۵۸ ق.م. (قبل از میلاد مسیح)
- سالی ۴۵۸ پ. ز (پیش زابین)
- یادآوری: هرگاه دو جمله کامل با «و» به یکدیگر عطف شوند، نقطه در پایان جمله دوم گذاشته می‌شود، مانند:
 - از دوستم آزرده خاطر بودم و به همین جهت به خانه او نرفتم.
 - له هاواله‌که‌م تورابووم و بویه نه‌چوومه مالیان.

۲- کۆما = ویرگول (،)

ویرگول نشانه‌ی توقف یا درنگ کوتاهی است که در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - میان عبارت‌ها یا جمله‌های غیرمستقلی که در مجموع یک جمله‌ی کامل را تشکیل می‌دهند، مانند:

- پس از چند سال تنهایی، یک هفته پیش، با دختری ازدواج کرد.

- پاش چهن سال ته‌نیایی، هه‌وتوویه‌ک له‌وه پیش، کچیکی ماره کرد.

- زمستان امسال، با برف و سرما فرا رسید.

- زستانی ئه‌وسال، به به‌فر و سه‌رماوه هات.

- آن جا که آب هست، آبادی هست.

- هه‌ر جتییه‌ک ئاوی بی، ئاوه‌دانیشی ده‌بی.

- هه‌رکس ورزش کند، تندرست می‌شود.

- هه‌ر که‌س وه‌رزیش بکا، ته‌ندروست ده‌بی.

- روزه بگیرید، تا تندرست شوید.

- به‌رۆزوو بن، هه‌تا ته‌ندروست بن.

ب - آن جا که کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده شود، مانند:

- دیروز، روز عید فطر، به‌سندج آمدم.

- دوینی، رۆژی جیژنی ره‌مه‌زان، هاتمه‌سنه.

- محوی، شاعر بلند آوازه، اشعار زیادی گفته است.
 - مه حوی، شاعیری به ناویانگ، شیعی زور کوتووه.
 - ج - آنجا که در مورد چند کلمه اسناد واحدی داده می شود، مانند:
 - حسن، احمد و کریم برادرند.
 - حسین، محمد و کریم بران.
 - سعدی، حافظ و خواجو از شاعران بلند پایه هستند.
 - سه عدی، حافظ و خواجو له شاعیره به رزه کائن.
 - د - برای جدا کردن اجزای مختلف نشانی اشخاص یا مرجع و مأخذ.
 - آقای علی رحیمی، دانشکده ی ادبیات، سال سوم.
 - ثاغای عهلی ره حیمی، زانکوی نه دهب، سالی سیه هم.
 - سنندج، خیابان شهدا، پاساژ عزتی، انتشارات کردستان.
 - سنه، شه قامی شوهدها، پاساژی عزیزه تی، ئینتیشاراتی کوردستان.
 - دیوان نالی، تصحیح ملا عبدالکریم مدرس، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۳.
 - دیوانی نالی، لیکۆلینه وهی و لیکدانه وهی مه لا عه بدولکه ریمی موده پرپرس، ئینتیشاراتی کوردستان، سنه، ۱۳۸۳.
- ۳- **کۆمای خاندان** = نقطه ویرگول (؛)
- نقطه ویرگول، علامت وقف یا درنگی بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه است که در موارد زیر به کار می رود:

الف - برای جدا کردن عبارت‌های مختلف یک جمله طولانی که ظاهراً مستقل و لکن در معنی با یکدیگر مربوط می‌باشند، مانند:

- مشک آن است که خود ببوید؛ نه آن که عطار بگوید.

- میسک نه‌وه‌یه بوخوی بوخوش بی، نه ک عه‌تار پتی هه‌لبلی.

- دوست واقعی آن است که یار شاطر باشد؛ به بار خاطر.

- دوست نه‌وه‌یه بتگریینی؛ دوژمن نه‌وه‌یه پیت‌پیتکه‌نی.

ب - در جمله‌های توضیحی مانند:

- قاصدی نزد او فرستاد؛ قاصدی عاقل و نکته‌دان.

- قاسیدیکی نارده لای؛ قاسیدیکی ژیر و قسه‌زان.

ب- دوو خال = دو نقطه (:)

موارد استفاده از این علامت به شرح زیر است:

الف - وقتی می‌خواهند سخن کسی را نقل کنند، مانند:

احمد از بازار آمد و گفت: انگور خوبی خریده‌ام.

نه‌حمه‌د له بازاره‌وه هات و کوتی : تریه‌کی باشم کریوه.

ب - وقتی می‌خواهند چیزی را شرح دهند، مانند:

ما در مدرسه این درس‌ها را می‌خوانیم: تاریخ، فارسی، حساب ...

ئمه له قوتابخانه‌وه‌وه وانا نه‌ده‌خوئین : مژوو، فارسی، حیساب ...

ج - هنگام معنی کردن لغات، مانند:

ذکاوت: زیرکی

زه‌کاوه‌ت: زیره‌کی

۵- جووت کهوان = علامت نقل قول یا گیومه (« »)

این علامت در موارد زیر به کار می‌رود:

الف. موقعی به کار می‌رود که بخواهیم عین سخن با نوشته کسی دیگر را بیاوریم، مانند:

معلم می‌گفت: «درس‌هایت را خوب بخوان.»

مأموستام کوتی: «وانه کانت باش بخوینه.»

ب. اگر بخواهیم توجه خواننده را به کلمه‌ای معطوف کنیم، آن کلمه را داخل گیومه می‌گذاریم، مثلاً کلماتی را که اسم مکان، شخص، کتاب و ... هستند، معمولاً در میان گیومه قرار می‌دهیم:

«هه‌نبانه بورینه» بیشتر از سی هزار لغت را در خود جای داده است.

«هه‌نبانه بۆرینه» پتر له سی هزار وشه‌ی له خو گرتوه.

«عبدالرحمن شرف‌کندی مشهور به هه‌ژار» یکی از بزرگترین شخصیت

های گُرد است.

«عه‌بدولرحمانی شه‌ره‌فکه‌ندی به ناو بانگ به هه‌ژار یه‌کیکه له

که‌سایه‌تیبه ناو‌داره‌کانی کورد».

...

۶- کهوان = پرانتز ()

وقتی می‌خواهیم مطلبی را در جمله توضیح دهیم که نخواندن آن

تأثیری در متن جمله ایجاد نمی‌کند، آن را داخل پرانتز می‌گذاریم،

...

مانند:

- شریعت اسلام (نوشته‌ی ملا عبدالکریم مدرس) در مورد مسایل فقهی مذهب امام شافعی است.

- شهریه‌تی ئیسلام (نووسینی مه‌لا عه‌بدولکه‌ریمی موده‌رپرئیس) له باره‌ی فیهی مه‌زه‌به‌ی ئیمامی شافعییه.

۷- نیشانه‌ی پرسپیار = علامت سؤال (؟)

وقتی جمله صورت پرسشی (سؤال) داشته باشد، علامت پرسش (؟) به کار می‌بریم، مانند:

- شما در کدام مدرسه تحصیل می‌کنید؟

- ئیوه له کام قوتابخانه ده‌خوئین؟

- من در مدرسه ایمان تحصیل می‌کنم.

- من له قوتابخانه‌ی ئیمان ده‌خوئینم.

- در کدام کلاس؟

- له کام پؤل؟

- کلاس چهارم.

- پؤلی چواره‌م.

۸- نیشانه‌ی سه‌رسورمان = علامت تعجب (!)

این علامت نشانه تعجب است و برای حالات عاطفی، ندا، و

تأکید و تحسین نیز به کار می‌رود، مانند:

- عجب باغ دلگشایی است!
- چ باغیکی خوشه!
- کتاب بسیار زیبایی است!
- کتیبیکی زور جوانه!

۹. **کۆمه له خاں = نقاط تعلیق (...)**

وقتی سخن به مناسبتی قطع شود یا ناقص بماند، برای نشان دادن بریدگی کلام باید نقاط تعلیق (...) به کار برد؛ چه در اول و چه در

- آخر عبارت باشد، مانند:
- او دارای صفات حسنه‌ای نظیر شجاعت، سخاوت و... می باشد.
- نهو خوو و خده‌ی باشی وهک : تازایه‌تی، سه‌خواوت و ... هه‌یه.
- ... و حالا تصمیم گرفته‌ام که به کسی ارفاق نکنم، همین یک بار کافی است که ...

- ... ئیدی برپارم داوه چاوپۆشی له که‌سم، هه‌ر ئه‌و یه‌ک‌جاره به‌سه

که ...

(۱) بیجته تەگە - ئالەبەس هە - ئالەبەس هە

- ئالەبەس هە تەگە - ئالەبەس هە - ئالەبەس هە

ئالەبەس هە تەگە - ئالەبەس هە - ئالەبەس هە

خوینده‌وهی وانهی ۱۰

نالهی جودایی

کتییی نالهی جودایی یه کیک له دوو کتیه شیعره‌که‌ی سه‌ید
محهمه‌دئه‌مین «ی» شیخولئیسلا می ناسراو به ماموستا هئین «ه» که له
چه‌ند پارچه شیعی مه‌سنه‌وی و غه‌زل و دووبه‌یتی پیکهاتووه.
به‌رزترین شیعی ئه‌م دیوانه مه‌سنه‌وی نالهی جوداییه. شاعیر له‌م
شیعره‌دا دهر د و ژانی دووری و جودایی له زید و مه‌لبنه‌ند و خیزان و
هاوالانی به شیوه‌یه‌کی به سۆز دهربرپوه. لیره‌دا به‌شیک له‌م شیعره به‌رزه
بو وینه دئینه‌وه :

کورد‌ه‌واری ئه‌ی ولاته جوانه‌که‌م
رۆله‌که‌م، باوانه‌که‌م، خیزانه‌که‌م
ئه‌ی ئه‌وانه‌ی قه‌ت له‌بیرم ناچنه‌وه
ئسته‌ بمیین، ئه‌ری ده‌مناسنه‌وه
رۆژگار هاپیمی وه‌ک ئه‌سپۆنی ورد
تاو و تینی لیب‌ریوم دهرده‌ کورد
ده‌ردی دووری ده‌ردی دووری کوشتمی
ده‌ردی وشیاری و سه‌بووری کوشتمی
ده‌ردی یاران و ولاتی خو‌شه‌ویست
لئی بریوم سه‌بر و هۆش و تاو و برست

نالە نالەم تیکه‌لی مه‌ی کردووہ
شیوہ نیتکم پییہ نہ‌ی نہ‌یکردووہ
نالە نالە من دره‌نگه‌ زوو نییہ
پارچه‌ گوشتیکه‌ دل‌ی من روو نییہ
نالە نالە من ره‌وایه‌ زۆر ره‌وا
چونکی قانونی ته‌بیعت وایه‌ وا
هر کسی کو دور ماند از آل خویش
باز جوید روزگار و آل خویش

تمرینات درس ۱۰

متون و جملات زیر را نشانه گذاری کنید.

سپینوزا □ فیلسوفیکی فهپانسهیی دهلی □ ئیمه ئه گهر بمانه وئی
مهسه لهی شهر چارهسه ر بکهین □ زور هاسان گوشه نیگامان
دهگۆری □ تپروانینه کانمان جیاواز ده بیت و له وانیه ئه و شهره ی که
ماهیه ته که یمان به شهر له قه له م دده □ به چاکه وهر سووړی □
هه لبت ئه وه له میژوودا زور جار که لکی خرابی لیوه رگیراوه .

«عه بدولخالقی یه عقوویی : سروی ژماره ۲۳۵»

بارام به پیروتی کوت □ هاوالی باش ئه وه یه بارت لی سووک کا □
نه ک بارت لی قورس کا □

ماموستا سه بک و شیوازی رۆمان نووسین لای ئیوه چیه □ من هه ر له
سه ره تاوه باوه رپم وابووه □ که سه روه ری بۆ رۆمانی ریالیزمه □ که
ئویش بیگومان زور شیوهی هه یه

وتووێژیک له گه ئ چیرۆکنووس حوسین عارف مسته فا ئیلخانی زاده

گۆقاری سروه ژماره ۲۱۶، بانه مه ری ۱۳۸۳

ئازاد تاریفی کاوهی ده کرد و ده یکوت □ چه ن پیاویکی میهره بانه □ هه موو کهس
خۆشی ده وئی □

نالی □ ئه و وه حشی غه زاله کهس وه به ر داوی نه کهوت □

چونکه شاهینی دووچاوی تیژه □ دايم سه ر ئه کا □

رینووسی وانهی ۱۱

نکاتی را که باید در نوشتن یک متن رعایت کنیم :

- ۱- آن را با رسم الخط (رینووس) درست بنویسیم.
- ۲- نکات دستوری را رعایت کنیم.
- ۳- از نشانه‌های نگارشی استفاده کنیم.
- ۴- بهتر است جملات کوتاه باشند و تا می‌توانیم از به کار بردن جملات طولانی خودداری کنیم.
- ۵- از نوشتن کلمات نامأنوس و مجعول خودداری کنیم.
- ۶- تا می‌توانیم از کلمات سره (په‌تی) گردی استفاده کنیم.
- ۷- به طور خلاصه در نگارش و نوشتن انشا و مقالات، این سه اصل مهم را رعایت کنیم:
الف : کوتاه، مختصر و مفید باشد.
ب : مقصود را به روشنی بیان نماید.
ج : ملال‌آور و خسته‌کننده نباشد.

خویندنه‌وهی وانهی ۱۱

سێ کەس لە شاعیرانی نیلام و کرماشان و گۆران (نەهلی حەق)

غولامپره‌زاخان «ی» نەرکه‌وازی

غولامپره‌زاخان خەڵکی نەرکه‌وازی سەر بە ئیلامی پشتکۆیه له
دوورەه‌ی فەتحەلەش «ی» قاجاردا ژیاوه و راویژکاری حەسەن خان «ی»
والی پشتکۆ بووه. ئەم گەوره‌پیاوه له ئەدەبی عەرەبی و فارسی و کوردی
شارەزاییه‌کی ته‌واوی بووه و بەم زمانانه شیعی‌ی کوتووه.
موناچات «پارانه‌وه» کەه‌ی نەرکه‌وازی زۆر به‌ناوبانگه و به‌یه‌کیک له
موناچاته هه‌ره‌باشه‌کانی کوردی ده‌ژمیردری. کۆچی دوایی ئەم گەوره
پیاوه به‌دروستی نه‌زانراوه.

شامی کرماشانی

شامورادی موشتاق ناسراو به «شامی کرماشانی» یه‌کیک له‌شاعیره
باش و به‌ناوبانگه‌کانی ناوچه‌ی کرماشانه. ئەو شاعیره له‌ده‌وروبه‌ری
سالی ۱۳۰۰ کۆچی هه‌تاوی له‌گه‌ره‌کی چه‌نانی شاری کرماشان له
دایک بووه. ئەو شاعیره له‌ته‌مه‌نی سێ سالییدا به‌هۆی نه‌خۆشی
ئاوڵه «خور وێرکه» کوێر بووه و پاش ماوه‌یه‌کی که‌م له‌و رووداوه
دایکیشی کۆچی دوایی ده‌کا و له‌خۆشه‌ویستی و لاواندنه‌وه‌ی دایک

بئ بهش ده بی و له دوازده سالیدا باوکیشی دهمری و تووشی ژیانیکی پر له تالی و کویره وهری ده بی. ماوه یه ک له مالمی ماموژنی و ماوه یه ک له مالمی حاجی ئەمانوللاخان «ی» موعته زیدی ده بی و هوگری به شیعیری «مه لا ئەلماس خان» و «غولامره زا پوور» و «سه یه سه لاج» په یدا ده کا و ورده ورده دهس به شیعیر کوتن ده کا. هر له و سه رده مانه دا، له مالمی ئەمانوللاخان دپته ده ری و بوخوی خه ریکی کاروکاسبی ده بی. هیندیک له شیعیره کانی شامی کۆکرانه وه و به ناوی «چه پکه گول» له لایهن بلاوکه ره وهی سرووش له سالی ۱۳۶۲ له چاپ دراون و ماموستا هه ژار پیتشه کییه کی جوان و به نرخ ی بۆ ئەم دیوانه نووسیوه.

شامی گهرچی کۆچی دوایی کردووه به لام هه میسه له ناو دلئی گه له که ی دایه شیعیره درپزه که ی «کرانشینی» ویردی زمانی هه موو هه ژاران و لایه نگرانی نه داران و سته ملیکراوانه.

سه یه یه عقووب ماهیده شتی «سه ی یاقو»

ئه و شاعیره، که له هوژی گۆران و په ی ره وی ئاینی «ئه هلی حق» که «یارسان» و «کاکه یی» شی پیته کوتری. ماموستا عه لئه ددین سه ججادی له کتیبی «میژووی ئەده بی کورد» دا ریکه وتی له دایکبوونی ۱۲۲۸ کۆچی مانگی و سالی وه فاتیشی ۱۳۰۱ کۆچی مانگی نووسیوه. له دینی قه مشه له دایکبووه و گلکۆی هر له و دپیه یه. شیعیره کانی سه یه به شیوازی غه زهل و مه سنه وی و چوارخشته کی و زۆر ره وان و جوان و پر مانان و به زاراوه ی گۆرانی و که لۆری و سۆرانین. ئەو له چه ند

غزله‌دا پیشوازی «ئیسیتقبال» ی له شیعی نالی کردوه. سه‌ی یاقۆ به
زمانی عه‌ره‌بی و فارس‌یش شیعی کوتوه. لیره‌دا غزله‌لیک له غزله
جوانه‌کانی سه‌ید دینین :

عه‌زیزان ماه روخساری ژقه‌وسئ ئه‌بروان تیری
وه‌جهرگم ئاشنا که‌رده‌ن نه‌دارم هیچ ته‌قسیری
وه‌ناخون سینه‌شوم که‌ردم وه‌شانم توخمن میهری ئه‌و
وه‌داس ئه‌بروان درویم جگهر کردم وه‌قه‌لبیری
سئ سآله‌ پاسبانی که‌م ژده‌ورئ خه‌رمه‌نی حوسنت
ژسه‌د مه‌ن خه‌رمه‌نی گونا جه‌وی ناده‌ی له‌ وه‌رزبری
ژعه‌قل و عیشق هه‌یرانم نه‌زانم قه‌ول کامین که‌م
نه‌ عیشقم پیم ئه‌دا موهله‌ت نه‌ عه‌قلم کات ته‌دبیری
سه‌گی پاسی سه‌راییی سه‌رداران ئه‌ده‌ن نانه‌ش
من عومری پاسه‌بانیم کرد چلۆنه‌ تو که‌ دلگیری
روخی زیبای شیرین بی وه‌خوونئ کوه‌که‌ن باعیس
وه‌ها سه‌بیاد ته‌ر ده‌س بی «سه‌ید» به‌رچی وه‌نه‌خچیری

خویندنه‌وهی وانهی ۱۲

چهند قسه‌یه‌ک له‌گه‌لّ خویندنه‌ری نه‌و کتیبه

فیربوونی خویندنه‌وه و نووسینی زمانی زگماکی مافی هه‌موو که‌سیکه. بۆیه فیربوونی زمانی کوردی بۆ هه‌موو کوردیک پئویسته. ئیستا، که ئیوه خویندن و نووسینی زمانی کوردی به باشی و به شیوه‌یه‌کی زانستی فیربوون، ئه‌رکی سه‌رشانی هه‌مووتانه بۆ په‌رپیدانی زمانه‌که‌تان، تیبکۆشن و هه‌ر به‌وه رازی نه‌بن ئیوه فیری خویندن و نووسینه‌وهی کوردی بوون. بۆ ئه‌وه‌ی باشر شاره‌زای زمانه‌که‌تان بن و ئه‌وه‌ی فیری بوون له‌بیرتان نه‌چیتنه‌وه، پئویسته کتیبه‌ی به‌که‌لکی کوردی بخویننه‌وه و تا ده‌توانن بۆ هاوالان و خزمانتان به زمانی کوردی نامه‌بگۆرنه‌وه و بۆ گۆفار و رۆژنامه کوردیه‌کان و تار بنووسن و شت له زمانه‌کانی دیکه‌را بۆ کوردی وه‌رگیرن.

وه‌رگیران سوودی بۆ زمانه‌که‌ی خۆتان و زمانه‌یانییه‌که‌هه‌یه. هه‌روه‌ها هه‌ولّ بدن له‌خوله‌کانی سه‌رتتری فیرکاریی کوردی به‌شداری بکه‌ن و ئه‌و شتانه‌ی فیری بوون، فیری هاوالان و خزمانی بکه‌ن و به‌و کاره‌به‌شیوه‌یه‌کی هه‌راو خزمه‌ت به‌په‌رپیدانی زمانی کوردی ده‌که‌ن. ته‌نیا به‌هه‌ولّ و تیکۆشانی هه‌موو لایه‌نه‌و دلسۆزانه‌ده‌توانین له‌ماوه‌یه‌کی که‌مدا، دواکه‌وتنمان له‌و بواره‌دا قه‌ره‌بوو بکه‌ینه‌وه.

ده‌بئ ئەوه‌ش بزاین فیربوونی خویندن و نووسین و ئەده‌بئ زمانی زگماکی بو فیربوونی زمانه‌کانی دیکه‌ش سوودی هه‌یه و هه‌رکەس ریتنوس و ریزمانی زمانی زگماکی خۆی به‌باشی بزاین ده‌توانن باشتەر فیری ریتنوس و ریزمان و ئەده‌بئ زمانه‌کانی دیکه‌ش ببین. به‌تایه‌ت له‌به‌ر ئەوه‌ی زمانی کوردی و فارسی دوو زمانی هاو‌پیشه و لیک نزیکن فیربوون و زاینی هه‌ریه‌ک له‌و دوو زمانه‌ کاریگه‌ریه‌کی زۆری له‌سه‌ر فیربوونی زمانه‌که‌ی دیکه‌ هه‌یه.

خزمه‌تکاری زمان و ئەده‌بئ کوردی

مسته‌فا ئیناخانی‌زاده

۵ □ ۶ □ ۳ □ ۲ □

□ □

□ □

□ □

□ □ □

□ □ □